

بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۱۳

صفحات: ۱۵-۳۵

امیرحسین مزینی*

نیلوفر مرادحاصل**

یکی از مهمترین بسترهای افزایش تعاملات اقتصادی در عرصه بین‌المللی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. از جمله موضوعات مهم در این رابطه عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی است که در دستور کار بسیاری از پژوهشهای اخیر قرار گرفته است. مطالعه حاضر نیز با

*. دکتر امیرحسین مزینی؛ استادیار دانشگاه تربیت مدرس.

** . دکتر نیلوفر مرادحاصل؛ استادیار مرکز تحقیقات مخابرات ایران.

E.mail: mozayani@modares.ac.ir

E. mail: n_moradhassel@yahoo.com

چنین رویکردی انجام شده است؛ با این تفاوت که تلاش شده تا موضوع در قالب سه گروه از کشورها با سطوح درآمدی متفاوت و از جمله ایران بررسی شود؛ ضمن آنکه در کنار متغیرهای صرفاً اقتصادی بحث آزادی اقتصادی که خود منبعث از مقولات سیاسی، حقوقی و ... است نیز بصورت مجزا مدنظر قرار گیرد. این مطالعه برای دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۴ و با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) در قالب الگوی داده‌های تلفیقی (پانل) انجام شده است. نتایج حکایت از تأثیر معنی دار آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمامی کشورها نمونه (در گروههای مختلف درآمدی) دارد که می‌تواند برای ایران نیز کاربرد سیاستی داشته باشد. ضمن آنکه بسته به گروه کشورها از نظر سطح درآمد، عوامل اقتصادی دیگری نیز وجود دارند که از تأثیر قابل توجه (اما متفاوتی) برخوردار هستند.

کلید واژه‌ها:

ایران، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اقتصاد بین‌الملل، ۱۹۹۸-۲۰۰۴، الگوی داده‌های تلفیقی

مقدمه

با شکل‌گیری و توسعه مدل‌های رشد در ادبیات اقتصادی مقوله سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه به عنوان یکی از موضوعات اساسی اقتصاد در کانون توجه پژوهشگران و سیاستگذاران قرار گرفت. بحث سرمایه‌گذاری می‌تواند در طیف وسیعی از مباحث اقتصادی مطرح شود؛ به عبارت دیگر همزمان که در ادبیات رشد و در سطح کلان فرایند تأمین سرمایه مورد نیاز اقتصاد، برای قرار گرفتن در سطح تعادلی رشد مطرح است، در سطح خرد نیز یافتن منابع بهینه تأمین مالی^۱ در بخش‌های مختلف حائز اهمیت می‌باشد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ یکی از مجاری تأمین مالی (سرمایه) در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. طی سالهای اخیر بخش قابل توجهی از مطالعات اقتصادی به بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اختصاص یافته و این پدیده را از جنبه‌های مختلفی همچون پیش‌نیازها، الزامات، تبعات، جنبه‌های مکانی و جغرافیایی و ... مورد بررسی قرار داده‌اند. در بخشی از مطالعات صورت گرفته در این حوزه عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این موضوع طی دهه اخیر که کشورها به نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تأمین سرمایه مورد نیاز خود و اثرات سرریز^۳ آن پی برده‌اند، هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که بدون شک چنانچه تصویر روشنی از الزامات و عوامل مؤثر بر جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد شود، سیاستگذاران کشورهای مختلف قادر خواهند بود با برآورده کردن آنها، هر چه بیشتر از جریان سرمایه در عرصه بین‌المللی منتفع شوند.

با توجه به تعدد و پراکندگی نتایج بدست آمده از مطالعات صورت گرفته در ارتباط با عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، این مقاله با هدف دستیابی به تصویری واحد و قابل تعمیم از این عوامل، به صورت بین‌کشوری و در طبقه بندیهای مختلف درآمدی (و از جمله ایران) دنبال می‌شود. جدای از طبقه‌بندیهای کشوری از دیگر وجوه تمایز مقاله حاضر از سایر مطالعات صورت گرفته در این حوزه (در ایران) آن است که در مطالعه و تحلیل

¹. Financing

². Foreign Direct Investment (FDI)

³. Spill Over Effects

عوامل مؤثر بر ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها در کنار متغیرهای صرفاً اقتصادی، بحث آزادی اقتصادی (که خود متأثر از عوامل غیر اقتصادی نیز هست) مورد تأکید خاص قرار گرفته است. در این مطالعه مدل مورد نظر هم به صورت کلی (برای تمامی کشورهای نمونه) و هم به تفکیک برای هر گروه از کشورها برآورد و تحلیل شده تا از تفاوت میان کشورها در مورد عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اطلاع حاصل شود.

مقاله حاضر از چهار بخش بشرح زیر تشکیل شده است: (پس از یک مقدمه کلی) در بخش اول به اجمال به مبانی نظری بحث پرداخته شده است. بخش دوم به مروری بر مطالعات انجام شده در ایران و سایر کشورها اختصاص یافته است. در بخش سوم به معرفی مدل مورد نظر و برآورد و تحلیل آن پرداخته شده و بخش چهارم؛ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری را شامل می‌شود.

عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (بحث نظری)

بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل روابط پیشین و پسین و نیز مصادیق مختلف آن، در حوزه اقتصاد می‌تواند با رویکرد نظری از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً در مورد موضوعاتی چون بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ در مقایسه با سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی^۲، نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی^۳، وجوه حقوقی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تعهدات مترتب بر آن^۴ و ... مبانی نظری به نسبت قابل توجهی وجود دارد. اما در ارتباط با عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پاره‌ای از نظریات وجود دارند که کمتر از مبانی نظری (ریاضی) و مدل‌سازی پیچیده

^۱. Foreign Direct Investment (FDI)

^۲. Foreign Portfolio Investment (FPI)

- Itay & Razin, (2005).

^۳. ابوالقاسم مهدوی، «تحلیلی بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۶، (۱۳۸۳)، صص ۲۰۸-۱۸۱.

^۴. بهروز اخلاقی و حسین بیابان‌گرد، «انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی». *مدرس علوم انسانی*، سال چهارم، شماره ۴، (۱۳۷۹)، صص ۳۴-۱۷.

برخوردارند. بلکه اغلب منبعث از مطالعات تجربی هستند. اجمالاً آنکه عمده نظریه‌های موجود دربارهٔ عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با فرض وجود بازارهای ناقص مطرح شده‌اند^۱، در این چارچوب سه نظریه اساسی جلب توجه می‌کند که عبارتند از: نظریه «سازمان صنعتی» که اغلب، ناظر به مشکلات فعالیت یک بنگاه در کشورهای خارجی، ناشی از زبان، فرهنگ، ساختار سیاسی و قضایی و ... است به نوعی در قالب یک عدم مزیت جلوه می‌نماید. نظریه «درونی کردن» که دلالت دارد بر اینکه یک بنگاه با حضور در بازار هدف بسیاری از هزینه‌هایی را که باید در صورت دور بودن از آن بازار متحمل می‌شد، دیگر متحمل نمی‌شود؛ همچون هزینه کسب اطلاعات، چانه‌زنی، برخی نااطمینانیها، بازاریابی گسترده و نظریه «مکانی» که ناظر است بر تمایل سرمایه‌گذاران در استفاده از برخی عوامل تولید که قابلیت انتقال و تحرک بسیار اندکی دارند و استفاده از آنها در محل، مزایای بسیاری به همراه دارد؛ همچون نیروی کار، منابع طبیعی، ویژگیهای اقلیمی و لازم بذکر است که در این مورد نظریه چهارمی نیز مطرح است که از ترکیب سه نظریه گذشته حاصل شده است. این نظریه که به اصطلاح به نظریه «ترکیبی» معروف است، عملاً مجموعه‌ای از مباحث مطرح شده در سه نظریه بالا را در بر دارد.^۲ با توجه به مبانی نظری موجود می‌توان عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سه گروه کلی زیر خلاصه نمود که عبارتند از:

عوامل اقتصادی

در این گروه مجموعه عواملی مدنظر قرار می‌گیرند که به نوعی به محیط کلان اقتصاد مرتبط می‌شوند. شاخصهایی چون ساختار تعرفه‌ها و مالیاتها، ساختار رژیم تجاری، نیروی کار و سطح دستمزد، زیرساختهای اقتصادی، ساختار سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ملی، وضعیت

^۱. لازم به ذکر است با توجه به وجود پدیده‌هایی چون شکست بازار، عدم اطمینان، کمبود اطلاعات و چسبندگیهای اسمی و واقعی و ... در این باره همواره فرض وجود بازارهای کامل کمتر مدنظر قرار می‌گیرد.

^۲. پرویز داوودی و اکبر شاه‌مرادی، «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی»، *پژوهشهای اقتصادی ایران*، سال ششم، شماره ۲۰، (۱۳۸۳)، صص ۱۱۳-۸۱.

یارانه‌ها، معافیتها و حمایتها، ساختار بازار پولی و ارزی کشور، ساختار تأمین مالی، اندازه دولت و ...^۱

عوامل سیاسی و حقوقی

در این گروه اغلب مجموعه عواملی مورد بررسی قرار می‌گیرند که ذاتاً ماهیتی اقتصادی نداشته، اما می‌توانند اثرات قابل توجهی بر بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشند که از آن جمله می‌توان به ساختار حقوقی مالکیت، بحث مالکیت معنوی، ریسک سیاسی کشور، وضعیت بوروکراسی و قدرت دولت و ... اشاره نمود.^۲

عوامل مکانی و جغرافیایی

در این گروه معمولاً شاخصهایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به نوعی بیانگر تفاوت‌های کشورهای از نظر جغرافیایی (فضایی) هستند. در این مورد می‌توان به موقعیت ترانزیتی کشور، ساختار منابع معدنی و زیرزمینی کشورها، بحث دسترسی به بازارهای بین‌المللی، بحث ادغامها و ترتیبات منطقه‌ای و دسترسی به آبهای آزاد و ... اشاره نمود.^۳

مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات انجام شده در ایران

بطور کلی تحقیقات انجام شده در ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را حسب موضوع می‌توان در چهار گروه کلی طبقه‌بندی نمود (جدول ۱).^۴

الف) گروه اول پژوهشهایی هستند که بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بصورت خاص در مورد ایران و یا موضوعات مرتبط با ایران مورد تحلیل قرار داده‌اند.

^۱ اکبر کمیجانی و منصور عباسی، «تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۳، (۱۳۸۵)، ۱۰۵-۶۹.

^۲ Buthe & Milner, 2006 and Jeneba, 2001.

^۳ اکبر کمیجانی و منصور عباسی، *پیشین*.

^۴ بدیهی است بسته به محدوده پژوهشها امکان لحاظ نمودن برخی از مطالعات در چند گروه از طبقه‌بندیها هم وجود دارد.

ب) در بخشی از مطالعات به بررسی نقش و تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرایند رشد اقتصادی پرداخته شده است. در این گروه مطالعات در قالب ادبیات رشد اقتصادی و به‌صورت بین‌کشوری و بسته به دامنه پژوهش به این نکته که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا چه حد توانسته در تأمین سرمایه مورد نیاز کشورها در فرایند رشد مؤثر باشد پرداخته شده است.

ج) گروه دیگر از مطالعات مجموعه پژوهشهایی هستند که به بررسی عوامل مؤثر^۱ بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح کلان پرداخته‌اند که عملاً مقاله حاضر نیز در این گروه طبقه‌بندی می‌شود.

د) این گروه از مطالعات شامل آن دسته از تحقیقات می‌شود که به نوعی در گروه‌های فوق قرار نگرفته و عملاً به بررسی تأثیر و ارتباط متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با متغیرهای منتخب اقتصادی می‌پردازند.

مطالعات انجام شده در خارج از کشور

با توجه به دامنه نسبتاً وسیع بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطالعات مختلفی در این رابطه انجام شده است. اما با توجه به موضوع مطالعه حاضر از مطالعاتی که در مورد بررسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده، می‌توان به برخی موارد که در جدول (۲) آمده است، اشاره کرد.

^۱. Determinant (s)

جدول ۱. مطالعات انجام شده در ایران

گروه	نام محقق	سال	موضوع و روش	نتایج
الف	هژبرکیانی و سیزی	۱۳۸۵	استخراج تابع عرضه FDI	وجود یک رابطه کوتاه مدت و نبود یک رابطه بلند مدت
	کمیجانی و قویدل	۱۳۸۵	تأثیرپذیری اشتغال نیروی کار ماهر و غیرماهر از FDI در ایران	افزایش بهره‌وری نیروی کار و رقابت‌پذیری بنگاه‌های
	نصابیان	۱۳۸۵	بررسی اثر FDI بر اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات ایران	اثر مثبت در بخش خدمات، منفی در بخش صنعت و خنثی در بخش کشاورزی
	گوگردچیان و طیبی	۱۳۸۵	عوامل مؤثر بر جذب FDI در صنایع پتروشیمی ایران	تأثیر سودآوری، اندازه صنعت، برونگرایی صنعت و هزینه‌های R&D
ب	حسینی و مولایی	۱۳۸۵	نقش FDI در رشد اقتصادی ایران	اثر معنی دار بر رشد
	نजारزاده و ملکی	۱۳۸۴	اثر FDI بر رشد با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت	اثر معنی دار بر رشد
	مهدوی	۱۳۸۳	اثر FDI و FPI بر فرایند رشد اقتصادی کشورهای منتخب	اثر به مراتب معنی‌دارتر FDI
	نظیفی	۱۳۷۴	اثر FDI بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه	اثر معنی دار بر رشد
ج	عاقلی کهنه شهری	۱۳۸۴	برآورد تابع عرضه FDI	اثر معنی دار بدهیهای خارجی، سرمایه‌گذاری در زیربنای داخلی و ...
	نजारزاده و دیرگان	۱۳۸۴	برآورد تابع عرضه FDI	تأثیر اندازه بازار، آزادسازی تجاری، بی‌ثباتی اقتصادی، کسری بودجه
	شاه‌آبادی و محمودی	۱۳۸۵	بررسی عوامل مؤثر بر جذب FDI در ایران	تأثیر منابع طبیعی، سرمایه انسانی و زیرساختها
	کمیجانی و عباسی	۱۳۸۵	نقش عوامل مؤثر بر جذب FDI در ایران	اثر منفی تورم، نرخ بهره و نرخ ارز و اثر مثبت تولید ناخالص داخلی موجودی سرمایه و درجه باز بودن اقتصاد
	داودی و شاهمرادی	۱۳۸۳	بررسی عوامل مؤثر بر جذب FDI در کشورهای منتخب	اثر مثبت تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ارتقای کارایی و بهره‌وری و ...
	مهدوی و عزیز محمدلو	۱۳۸۳	اثر جریان FDI بر سطح اشتغال	تأثیر معنی‌دار بر اشتغال بسته به عواملی چون سطح توسعه‌یافتگی، آمادگی کشور برای پذیرش سرمایه‌های خارجی
د	اخلاقی و بیابانگرد	۱۳۷۹	بررسی سرمایه‌گذاری خارجی (و از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) از منظر حقوقی	FDI بسته به نحوه شکل‌گیری آن در کشور میزبان می‌تواند بصورت نسبی کمترین تبعات حقوقی، اقتصادی و سیاسی را داشته باشد.
	نजारزاده و شقاقی شهری	۱۳۸۵	اثر همگرایی منطقه‌ای به جریان جذب سرمایه خارجی در کشورهای اسلامی و منطقه منا	نتایج حکایت از وجود پتانسیلهای لازم جهت جذب سرمایه خارجی بیشتر در این مناطق دارد
	عبادی و شهبکی تاش	۱۳۸۵	بررسی بحث نابرابری اقتصادی در جهان با تأکید بر FDI	نابرابری در جریان FDI در عرصه جهانی به نابرابری درآمدی در سطح جهان دامن زده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از مطالعات انجام شده در سایر کشورها

نام محقق	سال	موضوع و روش	نتایج
پیتر و کرد	۲۰۰۱	بررسی عوامل مؤثر بر جریان FDI	اثر معنی‌دار سطح دستمزد، نرخ ارز، نرخ بهره، درجه آزادی اقتصادی، ساختار مالیاتی
پراساد و جین وی	۲۰۰۵	بررسی عوامل مؤثر بر FDI به کشور چین	اثر معنی‌دار ورود موفقیت‌آمیز چین به بازارهای مالی جهانی و انجام شفاف‌سازی‌های لازم در این رابطه و مدیریت صحیح ریسک
بلانینگن	۲۰۰۵	مرور مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر FDI	مروری بر مطالعات طی سه دهه اخیر
گورج و دیگران	۲۰۰۷	بررسی رابطه FDI، هزینه اجتماعی و رقابت‌های مالیاتی	ارتباط تنگاتنگ بین سیاست‌های رفاهی، مالیات بر شرکتها و جریان FDI
سینگ و جان	۱۹۹۵	عوامل مؤثر بر جریان FDI (کشورهای در حال توسعه)	اثر معنی‌دار تعداد روزهای تعطیل، کیفیت فضای کسب و کار و ...
آلوارز	۲۰۰۲	عوامل مؤثر بر خروج FDI از ناحیه کاتالان اسپانیا	اثر معنی‌دار تمرکز بر صنایع تکنولوژیک، اندازه بازار، ریسک پائین و ...

بر آورد مدل

ساختار مدل

با توجه به مطالعات انجام شده، تقریباً تمامی مدل‌های بکار گرفته شده در مورد عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اغلب در قالب یک الگوی تعادل بخشی^۱ بیان شده‌اند؛ بدین معنا که در قالب الگوهای تک معادله‌ای و فارغ از معادلات سیستمی و بلندمدت به بررسی رفتار جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل کرده‌اند^۲. بطور کلی چارچوب کلی این مدل‌ها به شکل معادله زیر ارائه می‌شود:

^۱. Partial Equilibrium

^۲. گاه مشاهده می‌شود که در ادبیات مربوط به عملکرد شرکت‌های چند ملیتی (MNCs) که طبیعتاً در قالب انتقالات سرمایه‌ای از برخی کشورها به کشورهای دیگر (جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) صورت می‌گیرد، بحث در قالب الگوهای تعادل عمومی (General Equilibrium) دنبال می‌شود. این مطالعات در واقع الگوی تصمیم‌گیری شرکت‌های چند ملیتی را در قالب تکنیک‌های اقتصادسنجی فضایی (Spatial Econometric Techniques) و با استفاده از متغیرهای بنیادین اقتصادی در بلندمدت و به‌صورت بین‌کشوری پی‌گیری می‌کنند که چندان در دستور کار مطالعه حاضر نمی‌باشد.

$$FDI_{it} = F(Z_{it}, Q_{it})$$

بدین صورت که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابعی از ماتریسی از متغیرهای مستقل اقتصادی با نماد Z_{it} است. از جمله مطالعاتی که با این رویکرد انجام شده‌اند می‌توان به «باجو و سیمون»^۱ (۱۹۹۴)، کمبجانی و عباسی (۱۳۸۵)، نجارزاده و شقاقی (۱۳۸۵) و عاقلی کهنه‌شهری (۱۳۸۴) اشاره کرد. گروه دیگری از متغیرها به نوعی تفاوت‌های غیراقتصادی بخشهای (کشورهای) مورد بررسی را بیان می‌کنند، که با ماتریس Q_{it} نشان داده می‌شود. این ماتریس می‌تواند متغیرهای حقوقی، مکانی و یا حتی متغیرهای مجازی و کنترل را در بر بگیرد که در این مورد می‌توان به مطالعه «سینگ و جان»^۲ (۱۹۹۵) اشاره نمود. لازم بذکر است که نمادهای t, i به ترتیب بیانگر کشور یا منطقه و مقطع زمانی مورد مطالعه هستند. در این مطالعه نیز از چنین رویکردی استفاده شده و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابعی از متغیرهای زیر در نظر گرفته شده است.

- ساختار مالیاتی (HT1): در این رابطه از بالاترین نرخ مالیات بر شرکتها استفاده می‌شود. کشوری که نرخ مالیاتی بیشتر داشته باشد، تمایل برای ورود سرمایه خارجی در آن کمتر خواهد بود.

- ساختار بازار ارزی (REX): در این رابطه از نرخ ارز واقعی مؤثر^۳ استفاده می‌شود تا از نارسائیهای موجود در نرخ ارز اسمی به عنوان یک متغیر اسمی^۴ پرهیز شود.

- وضعیت مبادلات ارزی کشور مورد نظر با خارج (NIG): در این رابطه از نسبت جریان درآمد کشورها از خارج به تولید ناخالص داخلی آن استفاده شده است. انتظار می‌رود هر چه مبادلات ارزی (درآمدی) کشور بیشتر باشد زمینه مناسب‌تری برای مبادلات سرمایه خارجی فراهم شود.

¹. Bajo & Simon, (1994).

². Sing & Jan, (1995).

³. Real Effective Exchange Rate

⁴. Nominal

- درجه باز بودن اقتصاد (open): انتظار می‌رود هر چه اقتصاد از نظر تجاری (حاصل جمع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی) بازتر باشد، بستر مناسب‌تری برای حضور سرمایه خارجی فراهم می‌شود.

- سهم صادرات تکنولوژیک (TEC): از آنجا که بخش قابل توجهی از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف بهره‌مندی از مزایای مستقیم و غیر مستقیم فناوری موجود در کشورها (عمدتاً توسعه یافته) بسوی آنها روان می‌شود، اینکه کشور هدف تا چه حد در سطح بالایی از فناوری قرار دارد، ملاکی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شود. بنابراین برای کمی کردن این موضوع و در نظر گرفتن آن در مدل از متغیر سهم کالاهای صادراتی با فناوری بالا (در کشورهای مختلف) استفاده می‌شود.

- سهم یارانه‌ها و حمایت‌های دولتیها (SUB): انتظار می‌رود افزایش حجم یارانه‌ها به دلیل ایجاد اختلال در قیمت‌های نسبی اقتصاد و در مقابل؛ ایجاد زمینه‌های رانت‌جویی با مخدوش نمودن فضای کسب کار، تمایل کمتری در سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد نماید..

- وضعیت بازار مالی کشور (امنیت وام‌دهی: GRE): اصولاً هر چه سهم وام‌های مبتنی ضمانت؛ بویژه ضمانت دولتی افزایش یابد، به نوعی حکایت از فضای نامطلوب بازار مالی کشور دارد و عملاً بعنوان یک عامل بازدارنده در مقابل ورود جریان سرمایه‌خارجی عمل می‌کند؛ بدین منظور از نسبت وام‌های تضمین شده توسط بخش عمومی به کل وام‌های اعطایی استفاده شده است. هر چه این نسبت بزرگتر باشد، حکایت از عدم بلوغ و نا امنی بازار مالی کشور مورد نظر داشته و خود می‌تواند مانعی برای ورود جریان سرمایه‌های خارجی بحساب آید.

- نسبت پس‌انداز- سرمایه‌گذاری (RGDSAVI): اینکه تا چه سهمی از پس‌انداز کلان ملی تبدیل به سرمایه (تشکیل سرمایه داخلی) می‌شود؛ خود یکی از معیارهای فضای کسب و کار بوده و نشان می‌دهد که یک اقتصاد تا چه حد قادر به جذب سرمایه است.

- آزادی اقتصادی (F): یکی از مهمترین موضوعات در بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

برای متغیر وابسته در مدل مورد نظر می‌توان از سه نوع متغیر بشرح زیر بهره جست:

الف) جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ که یک متغیر پولی است و ارزش دلاری جریان سرمایه ورودی به کشورها را (بر حسب دلار) بیان می‌نماید.

ب) شاخص عملکرد جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲: این شاخص به شکل زیر محاسبه می‌شود که در آن اندیسهای i و w به ترتیب بیانگر کشور مورد نظر و مقدار جهانی متغیر مورد نظر است.

$$IND_i = \frac{FDI_i / FDI_w}{GDP_i / GDP_w}$$

ج) شاخص پتانسیل جذب سرمایه خارجی: در محاسبه این شاخص از معیارهایی چون حجم تولید ناخالص ملی کشور، تشکیل سرمایه ناخالص، ریسک کشور مورد نظر، اندازه بازار، حجم تجارت خارجی و ...^۳ استفاده می‌شود. اجمالاً اینکه این شاخص قابلیت بالقوه کشورها را در جذب سرمایه خارجی نشان می‌دهد.

از آنجا که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمی‌تواند به تنهایی ملاک مناسبی برای مقایسه کشورها باشد و لازم است اندازه و مقیاس اقتصاد کشور مورد نظر نیز مدنظر قرار گیرد؛ در تحقیق حاضر از دو متغیر مجزا بعنوان متغیر وابسته استفاده شده است که عبارتند از: الف) نسبت جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شاخص پتانسیل جذب، ب) شاخص عملکرد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

متغیر اول بیان می‌کند که کشور مورد نظر با توجه به پتانسیلی که در اختیار داشته است، موفق به جذب چه مقدار سرمایه خارجی شده است. شاخص عملکرد (متغیر دوم) نیز عملکرد نسبی کشور را با توجه به مقیاس آن کشور در سطح جهان بیان می‌شود. این دو متغیر با نمادهای FDI و LIFDIPE نشان داده شده‌اند.

^۱. Inward FDI Flow

^۲. Inward FDI Performance Index (INDi)

^۳. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: <http://www.unctad.org>

برآورد مدل

مدل تصریح شده در بخش قبل برای دوره زمانی (۱۹۹۸-۲۰۰۴) و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) و در قالب روش داده‌های تلفیقی و برای سی کشور منتخب برآورد شده است. از آنجا که تأثیر عوامل مؤثر برشمرده شده بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در کشورهای مختلف متفاوت باشند؛ ضمن برآورد مدل برای تمامی کشورهای مورد نظر - که می‌تواند تصویری کلی از عوامل مؤثر در همه کشورهای نمونه ارائه دهد - مدل مورد نظر در گروه‌بندیهای مختلف کشورها نیز برآورد شده تا بصورت خاص اطلاعاتی در سطح گروه کشورها بدست آید. ضمن آنکه هماهنگی نتایج مدل‌های مربوط به گروه‌های کشوری با مدل کلی می‌تواند دلیلی بر استحکام^۱ نتایج مدل اصلی برای تمامی کشورها برآورد شده نیز بحساب آید؛ بدین منظور کشورهای مورد نظر بگونه‌ای انتخاب شده‌اند که در سه گروه کشورهای با درآمد پایین، با درآمد متوسط و با درآمد بالا طبقه‌بندی شوند تا مدل مرجع به‌صورت مجزا برای هر یک از این سه گروه نیز برآورد شود. در این رابطه از معیار ارائه شده توسط بانک جهانی^۲ - که براساس درآمد سرانه کشورها را به سه گروه طبقه‌بندی نموده است - استفاده می‌شود. با توجه به معیار ارائه شده توسط بانک جهانی کشورهای با درآمد سرانه تا ۷۳۸ دلار بعنوان کشورهای با درآمد پایین^۳، از ۷۳۸ دلار تا ۹۰۷۶ دلار بعنوان کشورهای با درآمد متوسط^۴ و از ۹۰۷۶ دلار به بالا به عنوان کشورهای با درآمد بالا^۵ محسوب شده‌اند. در مطالعه حاضر منابع آماری مورد استفاده بانک‌های اطلاعاتی؛ آنکتاد (برای آمارهای مربوطه به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)، بانک جهانی (برای تمامی متغیرهای مستقل بجز شاخص آزادی اقتصادی) و بنیاد هریتیج (برای شاخص آزادی اقتصادی) هستند.

^۱. Robustness

^۲. World development indicator (WDI), (2006).

^۳. غنا، هند، کنیا، مولداوی، نیکاراگوا، پاکستان، سنگال، تاجیکستان، قرقیزستان و زامبیا

^۴. آرژانتین، چین، مصر، مجارستان، اندونزی، ایران، مالزی، شیلی، تایلند و ونزوئلا

^۵. کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، هلند، نروژ، سوئد، استرالیا، انگلستان و ایالت متحد آمریکا

پیش از پرداختن به برآورد مدل، از آزمون «ایم و پسران و شین»^۱ (۱۹۹۷)، برای آزمون ریشه واحد متغیرها استفاده شد. این آزمون بر اساس آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) است که ابتدا برای تک تک مقاطع داده‌های تلفیقی (برای هر متغیر جداگانه) انجام شده و سپس میانگین آماره‌های دیکی- فولر تعمیم یافته محاسبه می‌شود. نتایج؛ حکایت از آن دارند که تمامی متغیرهای درون مدل‌ها مانا از درجه یک هستند. در ادامه، برای آزمون همگرایی یکسان، آزمون IPS برای پسماند معادلات انجام می‌شود و نتایج این آزمون وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها را تأیید می‌نماید.

برای آزمون این فرضیه که عرض از مبدا برای مقاطع مختلف یکسان است یا نه؟ از آزمون F استفاده می‌شود. از آنجایی که مقدار F محاسبه شده از F جدول بزرگتر است؛ اثرات گروه کشورها پذیرفته و به همین جهت عرض از مبداهای مختلفی در برآوردها لحاظ می‌شوند. به منظور آزمون انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آماره هاسمن استفاده شد. از آنجایی که آماره کی- دو بدست آمده بزرگتر از مقدار کی- دو جدول است، بنابراین برای برآورد مدل‌ها از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود.

همانگونه که از جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود مدل مورد نظر سه بار برای این گروه کشورها و یک بار نیز برای تمامی کشورهای نمونه برآورد شده است. در ارتباط با برآورد مدل ذکر سه نکته ضروری به نظر می‌رسد: ابتدا اینکه با توجه به تعدد متغیرهای مستقل و نیز دو متغیر مجزای انتخاب شده به‌عنوان متغیر وابسته حالت‌های مختلفی از مدل مرجع مورد نظر برآورد شده که از میان مدل‌های متعدد برآورد شده حالت‌های ذکر شده در قالب جدول شماره (۱) بهترین برآزش را از خود نشان داده است؛ نکته دوم آنکه از میان برآوردهای مختلف، مدل‌های لگاریتمی برآزش بهتری از خود نشان دادند؛ پس تمامی متغیرهای ذکر شده در جدول شماره (۱) به‌صورت لگاریتمی (و با نماد L) هستند؛ سرانجام اینکه در برآورد مدل‌ها، شاخص عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی^۲ کشورها (LIFDIPE) در مقایسه با (متغیر) نسبت جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شاخص پتانسیل جذب

^۱. Eim and Pesaran and Shin

^۲. Inward FDI Performance Index

(FDI)، به عنوان متغیر وابسته، برازش به مراتب بهتری را از خود نشان داد. بنابراین از این شاخص در مدل نهایی (جدول شماره ۳) به عنوان متغیر وابسته استفاده شد.

جدول شماره ۳. نتایج برآورد مدل‌ها

متغیرهای دامنه مستقل برآوردها	گروه کشورهای با درآمد پایین	گروه کشورهای با درآمد متوسط	گروه کشورهای با درآمد بالا	کل کشورهای نمونه
LHT1	-	-	-۲/۹۲ (-۲/۶۱)	-۱/۱۵ (-۲/۲۹)
LGRE	-۱/۹۷ (-۱/۳۲)	-	-	-
LTEC	-	۰/۵۱ (۲/۴۴)	-	۰/۲۲ (۳/۴۹)
Lopen	۱/۴۸ (-۱/۸۶)	۱/۴۲ (۲/۳)	۱/۵۳ (۱/۷۲)	۰/۹۱ (۲/۲)
LSUB	-	-۰/۹۹۸ (-۱/۸۵)	-۱/۲۶ (-۲/۳۴)	-۰/۲۱ (-۳/۲۸)
LNIG	-	-	۰/۰۸۶ (۱/۹۲)	-
LRGDSAV1	-۰/۱ (-۱/۴۸)	-	-	-
LF	۲/۶۶ (۱/۶۷)	۳/۸۸ (۲/۹۹۷)	۴/۶۷ (۳/۲۴)	۲/۲۳ (۳/۰۵)

منبع: محاسبات تحقیق.

تحلیل نتایج

همانگونه که مشاهده می‌شود نتایج برآورد مدل در چهار گروه کشوری در جدول شماره (۱) منعکس شده است. لازم به ذکر است که در برآورد مدل برای کل کشورهای نمونه در پی دستیابی به تصویری کلان و یا به تعبیری «پوشی»^۱ از عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و در قالب برآورد مدل برای هر یک از گروه کشورها، به

^۱. Envelope

دنبال آگاهی از تأثیر تفاوت‌های میان کشورها بر عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستیم. انتظار می‌رود ضمن وجود برخی تفاوتها در مدل‌های برآورد شده برای هر یک از گروهها عملاً نتایج برآورد کلی به نوعی تأیید شود. در ارتباط با تحلیل نتایج می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

همانگونه که ملاحظه می‌شود متغیر مربوط به مالیات (LHT1) تنها در گروه کشورهای با درآمد بالا به صورت منفی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را متأثر می‌سازد. این نتیجه حکایت از آن دارد که اساساً در کشورهای با درآمد پایین و متوسط عوامل مؤثرتری نسبت به مالیات وجود دارند که می‌توانند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را متأثر سازند. ضمن آنکه اصولاً نرخ بالاتر مالیاتی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در این رابطه عمل نماید. این فرضیه از مدلی که برای تمامی کشورها برآورد شده با مقدار (۱/۱۵-) مشهود است.

متغیر مربوط به وضعیت بازار مالی (LGRE) کشورها در گروه کشورهای با درآمد پائین ظاهر شده؛ هر چند که چندان معنی‌داری نیز بنظر نمی‌رسد.

اثر متغیر مربوط به صادرات کالاهای تکنولوژیک (LTEC) تنها برای کشورهای با درآمد متوسط ظاهر شده است. این نتیجه حکایت از آن دارد که این کشورها که در مسیر صنعتی شدن قرار گرفته و در این مسیر بخشی از صادراتشان به محصولات با فناوری بالا اختصاص یافته و با ایجاد بستر لازم زمینه و بستر مناسبی را برای ورود سرمایه‌های خارجی ایجاد نموده‌اند. ضمن آنکه اساساً تولید محصولات صنعتی، خود مستلزم وجود برخی صنایع پیرامونی در قالب خوشه‌های صنعتی است که امکان دارد بخشی از سرمایه مورد نیاز آنها از منابع خارجی تأمین شود. ظاهر شدن این متغیر برای مدل برآورد شده در مورد تمام کشورها، می‌تواند بطور کلی حکایت از تأثیر مثبت آن در جذب سرمایه داشته باشد.

متغیر مربوط به درجه باز بودن (Lopen) برای تمامی گروه کشورها به صورت مثبت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را متأثر می‌سازد. ضمن آنکه در مدل برآورد شده برای کل نمونه نیز این متغیر به عنوان یک عامل تحریک‌کننده جریان خارجی سرمایه ظاهر شده است.

عامل اثرگذار دیگر بحث سهم یارانه‌ها و حمایت‌های دولت در کشورهای مختلف (LSUB) است. اثر منفی این متغیر در کشورهای با درآمد متوسط و بالا بخوبی ظاهر شده که می‌تواند حکایت از تأثیر این بحث در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد.^۱ اینکه اثر این متغیر در گروه کشورهای با درآمد پایین ظاهر نشده می‌تواند ناشی از تأثیر ناچیز آن در مقایسه با سایر عوامل باشد؛ ضمن آنکه این متغیر به عنوان یک عامل مؤثر در کل نمونه نیز ظاهر شده است. عامل دیگری که در این مطالعه (و با توجه به مبانی نظری موجود) به عنوان یک عامل مؤثر در نظر گرفته شد، نسبت جریان انتقالات ارزی در قالب درآمد به تولید ناخالص داخلی (LNIG) بود که تنها برای گروه کشورهای با درآمد بالا و با ضریبی نسبتاً کوچک ظاهر شد. این متغیر حکایت از آن دارد که در کشورهای با درآمد بالا، اصولاً افزایش سهم درآمدهای حاصل شده از خارج در قالب نیروی کار، سرمایه‌گذاری و صادرات خدمات و ... به نوعی فضایی را ایجاد می‌کند که جریان سرمایه را تسهیل می‌نماید. متغیر مربوط به نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تشکیل سرمایه ناخالص داخلی (LRGDSAV1) در گروه کشورهای با درآمد پایین با علامت منفی ظاهر شده است؛ هر چند که چندان معنی‌داری نیز بنظر نمی‌رسد. این نتیجه می‌تواند حکایت از آن نماید که هر چه ساختار تشکیل سرمایه پویاتر باشد و بخش بیشتری از پس‌انداز به تشکیل سرمایه ختم شود، انگیزه ورود سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر می‌شود.

سرانجام بحث آزادی اقتصادی است که به صورت قابل توجهی تقریباً در همه مدل‌ها با ضریبی مثبت ظاهر شده است. نکته ای که در این مورد جلب توجه می‌نماید، افزایش ضریب بدست آمده در گروهها به موازات افزایش درآمد کشورها است. این ضرایب حکایت از آن دارد که هرچه از گروه کشورهای با درآمد پایین بطرف گروه کشورهای با درآمد بالا حرکت کنیم، به موازات آنکه محدودیتهای ساختاری جذب سرمایه های خارجی در کشورها کاهش می‌یابد، عواملی چون آزادی اقتصادی به عنوان یک متغیر محوری و تعیین کننده، هر چه بیشتر نمود

^۱. این امر در ارتباط با چگونگی تصمیم‌گیری شرکتهای چند ملیتی برای حضور در بازار کشورهای توسعه یافته از مباحث بسیار مهم است.

می‌یابد. این بحث دستاورد اصلی مقاله حاضر در ارتباط با اثر قابل توجه میزان آزادی اقتصادی بر شدت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. همچنین متغیر مربوط به نرخ ارز در مدل‌های برآورد شده تأثیر معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از خود نشان نداد و بنابراین در مدل برآورد شده نهایی منظور نشد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود وجه تمایز نتایج فوق نسبت به نتایج سایر مطالعات صورت گرفته آگاهی از تفاوت‌های موجود در میان گروه کشورها در مورد عوامل مؤثر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این نتایج می‌تواند تصویری از وضعیت اقتصادی کشورهای مختلف، با در نظر گرفتن تفاوت‌های میان آنها، در ارتباط با موضوع بحث ترسیم نماید. چنانکه اساساً برخی از متغیرهای موجود در تمامی کشورها (اما با شدتی متفاوت) بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر و معنی‌دارند که با توجه به نتایج مذکور، بحث آزادی اقتصادی از این متغیرها بحساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر تلاش شده تا ضمن مروری بر ادبیات موضوع با توجه به تعدد نتایج بدست آمده از مطالعات صورت گرفته (تاکنون) در ارتباط با عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تصویری واحد و قابل تعمیم از این عوامل و شدت اثرگذاری آنها با تأکید بر یک الگوی بین‌کشوری ارائه شود؛ بدین منظور از اطلاعات مربوط به گروهی از کشورها (در طبقه بندیها مختلف) در دوره زمانی (۲۰۰۴-۱۹۹۸) استفاده شد. نتایج مدل‌های برآورد شده حکایت از آن داشت که از مجموع عوامل بررسی شده - که در ادبیات بحث منعکس شده است - عواملی چون: نظام مالیاتی، وضعیت مبادلات (درآمد) ارزی، سهم صادرات تکنولوژیک، وضعیت بازار مالی کشور، وضعیت پس‌انداز - سرمایه‌گذاری و سهم بارانه‌ها و حمایت‌های دولتی بسته طبقه بندی کشورها و با شدت و ضعفی متفاوت می‌توانند بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر باشند. اما عواملی چون درجه باز بودن اقتصاد و آزادی اقتصادی به‌عنوان عوامل کلیدی در همه مدل‌ها و برای تمامی گروه‌های کشوری

معنی‌دار ظاهر شدند. نتیجه بدست آمده این دستاورد، سیاستی را به همراه دارد که صرف نظر از وضعیت کلان اقتصادی کشورها بدون شک آزادسازی فضای اقتصادی کشور به‌عنوان یک عامل کلیدی تعیین‌کننده جریان سرمایه‌گذاری خارجی به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر چنانچه سایر عوامل مؤثر را به عنوان شرط لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلقی نماییم، مصادیق آزادسازی اقتصادی (آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد و ...) شرط کافی برای تحقق این امر محسوب می‌شود که می‌تواند در مورد ایران نیز کاربرد یابد.

پی‌نوشتها:

۱. اخلاقی، بهروز و بیابان‌گرد، حسین. «انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی». *مدرس علوم انسانی*، سال چهارم، شماره ۴، (۱۳۷۹): ۱۷-۳۴.
۲. حسینی، سیدصفر و مولایی، مرتضی. «تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، سال ششم، شماره ۲، (۱۳۸۵).
۳. داوودی، پرویز و شاه‌مرادی، اکبر. «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی». *پژوهشهای اقتصادی ایران*، سال ششم، شماره ۲۰، (۱۳۸۳): ۸۱-۱۱۳.
۴. درگاهی، حسن. «عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: درسهایی برای اقتصاد ایران». *شریف*، ویژه مهندسی صنایع، مدیریت و اقتصاد، شماره ۳۶، (۱۳۸۵): ۵۷-۷۳.
۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و محمودی، عبدالله. «تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران». *جستارهای اقتصادی*، سال سوم، شماره ۵، (۱۳۸۵): ۸۹-۱۲۶.
۶. طیبی، سیدکمیل و گوگردچیان، احمد. «بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده‌های تابلویی». *پژوهشهای اقتصادی ایران*، سال هشتم، شماره ۲۶، (۱۳۸۵): ۱۸۱-۲۰۲.
۷. عاقلی‌کهنه‌شهری، لطفعلی. «تخمین تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی». *پژوهشنامه اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۲، (۱۳۸۴).
۸. عبادی، جعفر و شهیکی‌تاش، محمدنبی. «بررسی نابرابری جریانهای تجاری، سرمایه‌گذاری و درآمد در جهان به روش ناپارامتریک و دلایل آن (۱۹۶۰-۲۰۰۰)». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۲، (۱۳۸۵): ۱-۳۰.
۹. کمیجانی، اکبر و عباسی، منصوره. «تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۳، (۱۳۸۵).
۱۰. کمیجانی، اکبر و قوی‌دل، صالح. «اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال ماهر و غیرماهر بخش خدمات ایران». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۶، (۱۳۸۵): ۲۹-۵۰.
۱۱. مهدوی، ابوالقاسم. «تحلیلی بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۶، (۱۳۸۳): ۱۸۱-۲۰۸.
۱۲. مهدوی، ابوالقاسم و عزیز محمدلو، حمید. «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشورهای در حال توسعه». *دانش و پژوهش*، شماره ۸۵، (۱۳۸۳).
۱۳. نجارزاده، رضا و ملکی، مهران. «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارج بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت». *پژوهشهای اقتصادی ایران*، سال هفتم، شماره ۲۳، (۱۳۸۴).
۱۴. نجارزاده، رضا و دیگران. «تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (IC)». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال نهم، شماره ۳۵، (۱۳۸۴).
۱۵. نجارزاده، رضا و شقاقی‌شهری، وحید. «همگرایی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی عضو منا)». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۲، (۱۳۸۵).

۱۶. نصایبان، شهریار. «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، سال ششم، شماره ۳، (۱۳۸۵): ۹۷-۱۲۲.
۱۷. نظیفی، فاطمه. «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه طی سالهای ۹۲-۱۹۷۳». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده اقتصاد- دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۷۴).
۱۸. هژبرکیانی، کامبیز و سبزی، کیومرث. «تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، سال ششم، شماره ۳، (۱۳۸۵): ۱۶۱-۲۰۴.
19. Álvarez, M. "FDI Determinant Factors: The Case of Catalan Multinational Manufacturing Firms"., *Department of Econometrics, Statistics and Spanish Economy - University of Barcelona*, (2003).
20. Blonigen, B. A. "A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants"., *NBER Working Paper*, No. 11299, (2005).
21. Görg H, and et al. "Foreign Direct Investment, Tax Competition and Social Expenditure"., *University of Dundee Working Paper*, No.198, (2007).
22. Peter, V. M. and Kerr, I. A. *The Determinants of FDI in China*. University of Western Australia., 2001.
23. Prasad, E. and Wei, S. "The Chinese Approach to Capital Inflows: Patterns and Possible Explanations"., *NBER Working Paper*, No. 11306, (2005).
24. Sing, H. and Jun, K. W. "Some Evidence on Determinants of Foreign Direct Investment in Developing Countries"., *The World Bank Working Paper*, (1995).
25. <http://www.UNCTAD.ORG>
26. <http://www.WorldBank.ORG>